

روند شاخصهای عمده اقتصاد کلان در کشورهای مختلف جهان: یک روش جدید برای درجه‌بندی کشورها

نویسنده: دکتر احمد جعفری صمیمی
دانشگاه مازندران

مقدمه

یکی از مهمترین شاخصهای عمده اقتصاد کلان که می‌توان براساس آن، کشورهای مختلف را درجه‌بندی نمود تولید ناخالص ملی سرانه است. این معیار با وجود آنکه می‌توند اطلاعاتی در باره عملکرد اقتصاد کلان کشورها ارائه دهد، به تنهایی نمی‌تواند معیاری مناسب برای درجه‌بندی واقعی تلقی شود. برای مثال، بر مبنای معیار فوق‌کشوری مانند امارات متحده عربی در میان کشورهای جهان در مقام یازدهم^۱ قرار می‌گیرد در حالی که این کشور از لحاظ شاخصهای دیگر اقتصاد کلان، به هیچ‌وجه شبیه یک کشور پیشرفته نیست. برای مثال، این کشور بالاترین نرخ رشد جمعیت در بین کشورهای جهان را دارا می‌باشد. بنابراین، برای درجه‌بندی دقیقتر کشورهای جهان لازم است این درجه‌بندی با توجه به مجموعه‌ای از مهمترین شاخصهای مختلف ناشی از عملکرد اقتصاد آنها باشد.

۱. اطلاعات مربوط به این معیار و معیارهای دیگر که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، در اختیار سردبیر مجله می‌باشد. خوانندگان عزیز در صورت تمایل می‌توانند با سردبیر مکاتبه نمایند.

در این مقاله سعی شده است با توجه به روند عملکرد شاخصهای مهم اقتصاد کلان کشورها، در دهه ۱۹۸۰، یک درجه‌بندی جدیدی ارائه شود.^۱

روش کار

به منظور درجه‌بندی دقیق‌تر کشورها از ۱۴ شاخص مهم زیر با توجه به آخرین اطلاعات موجود برای این کشورها استفاده شده است:^۲

۱. تولید ناخالص ملی سرانه (به دلار سال ۱۹۸۸)
۲. نرخ رشد جمعیت (متوسط سالانه به درصد ۱۹۸۰-۱۹۸۸)
۳. نرخ مرگ و میر نوزادان (در هر تولد زنده در سال ۱۹۸۸)
۴. امید به زندگی در بدو تولد (به سال در ۱۹۸۸)
۵. عرضه سرانه کالری (روزانه در سال ۱۹۸۶)
۶. پس‌انداز ناخالص داخلی (به صورت درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۸)
۷. نرخ رشد ناخالص داخلی واقعی (متوسط سالانه به درصد در ۱۹۸۰-۱۹۸۸)
۸. نرخ تورم (متوسط سالانه به درصد در ۱۹۸۰-۱۹۸۸)
۹. نرخ بیسوادی بزرگسالان زن (به درصد در ۱۹۸۵)
۱۰. نرخ بیسوادی بزرگسالان مرد (به درصد در ۱۹۸۵)
۱۱. نرخ رشد سرمایه‌گذاری داخلی (متوسط سالانه به درصد در ۱۹۸۰-۱۹۸۸)
۱۲. نسبت درآمد غیرمالیاتی به درآمد جاری دولت (به درصد در ۱۹۸۸)

۱. لازم به توضیح است که در این مقاله می‌توان شاخصها را به دو گروه اقتصادی و جمعیتی تقسیم نمود. علاوه بر این، شاخصهای دیگری نیز از قبیل درصد نیروی انسانی بالقوه، درصد زنان شاغل و از این قبیل نیز می‌تواند در این درجه‌بندی مورد توجه قرار گیرد.

۲. البته، این موضوع که برای بررسی وضعیت پیشرفته اقتصادی - اجتماعی کشورها به شاخصهای انسانی و اجتماعی جدیدی نیاز است از اواخر دهه ۱۹۸۰ در سطح جهانی مورد تأکید قرار گرفته است، هرچند که هنوز در زمینه چگونگی ارتباط بین این شاخصهای جدید با شاخصهای مرسوم و همچنین، چگونگی انتخاب آنها، ابهاماتی وجود دارد. برای مطالعه بیشتر ر.ک. توسعه انسانی (میزگردشمال - جنوب - انجمن بین‌المللی توسعه) - ترجمه قدرت‌آورد... معمارزاده - گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، وزارت برنامه و بودجه شماره ۸۹ خرداد ۱۳۶۸ صفحات ۱۰-۱۷.

۱۳. نرخ رشد صادرات (متوسط سالانه به درصد در ۱۹۸۰-۱۹۸۸)

۱۴. جمعیت معادل هر پزشک در سال ۱۹۸۴

با توجه به اطلاعات مربوط به معیارهای فوق و همچنین، اطلاعات موجود در مورد میانگین و ضریب تغییرات شاخصهای ۱۴ گانه که در جدول ۱ آمده است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

جدول ۱. میانگین و ضریب تغییرات شاخصهای ۱۴ گانه در میان کشورها در دهه ۱۹۸۰

شاخص	میانگین	ضریب تغییرات ^۱
۱. تولید ناخالص ملی سرانه	۴۱۸۳/۹	۱/۴۸
۲. نرخ رشد جمعیت	۲/۲۶	۰/۵۴
۳. نرخ مرگ و میر نوزادان	۶۳/۱۲	۰/۷۲
۴. امید به زندگی در بدو تولد	۶۲/۱۷	۰/۱۷
۵. عرضه سرانه کالری	۲۶۵۷/۶	۰/۲۰
۶. نسبت پس انداز داخلی به تولید ناخالص داخلی	۱۶/۵۵	۰/۸۶
۷. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	۲/۴۷	۱/۱۲
۸. نرخ تورم	۲۴/۶	۲/۳۸
۹. نرخ بیسوادی بزرگسالان (مرد)	۴۵/۱۹	۰/۶۳
۱۰. نرخ بیسوادی بزرگسالان (زن)	۳۸/۸	۰/۶۳
۱۱. نرخ رشد سرمایه گذاری	-۰/۱۹	-۳۳/۳۷
۱۲. نسبت درآمد غیرمالیاتی به درآمد جاری دولت	۱۸/۱	۰/۹۸
۱۳. نرخ رشد صادرات	۳/۳۲	۱/۸۷
۱۴. جمعیت معادل هر پزشک	۷۵۶۶	۱/۷۱

۱. ضریب تغییرات از تقسیم انحراف معیار بر میانگین متغیر مورد نظر به دست می آید. این ضریب نوسان موجود بین کشورهای مختلف در مورد هر شاخص را نشان می دهد. هرچه میزان این ضریب بیشتر باشد، نابرابری نوسان بیشتری بین کشورها وجود دارد. همان طوری که از اطلاعات موجود در این جدول مشاهده می شود بیشترین نابرابری در میان کشورها در مورد شاخصهای ۱۴ گانه مربوط به نرخ رشد سرمایه گذاری است و کمترین نابرابری مربوط به امید به زندگی در بدو تولد می باشد.

۱. پایین‌ترین رقم مربوط به تولید ناخالص ملی سرانه به کشورهای آفریقایی اختصاص دارد. به عبارت دیگر، از کل ۱۱۸ کشور موجود در این جدول ۳۰۰ کشور در سال ۱۹۸۸ دارای تولید ناخالص ملی سرانه کمتر از ۵۰۰ دلار بوده‌اند که از این تعداد ۲۰ کشور متعلق به قاره آفریقا و ۱۰ کشور متعلق به قاره آسیا بوده است. همچنین، باید اضافه نمود که تولید ناخالص ملی سرانه کشورهای مختلف جهان از تفاوت بسیار قابل توجه برخوردار است؛ بدین معنی که اختلاف بین پایین‌ترین رقم (مربوط به موزامبیک) و بالاترین رقم (مربوط به سوئیس). ۲۶۰۰ دلار می‌باشد. تولید ناخالص ملی سرانه سوئیس، به تنهایی، از مجموع تولید ناخالص ملی سرانه کشورهای موزامبیک، اتیوپی، جاد، تانزانیا، بنگلادش، مالاوی، سومالی، زئیر، بوتان، لائوس، نپال، ماداگاسکار، بورکینافاسو، مالی و بروندي بیشتر است. همچنین، با توجه به میزان ضریب تغییرات این متغیر در میان کشورها مشاهده می‌شود که این متغیر از نوسان بسیار شدیدی برخوردار است. ۲. نوسان نرخ جمعیت بین کشورها نیز نسبتاً بالا است. بالا بودن نرخ رشد جمعیت که یکی از مشخصات کشورهای توسعه نیافته می‌باشد، در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، کویت، لیبی، عمان، عربستان، ساحل عاج از ۴ درصد بیشتر بوده است؛ در حالی که نرخ رشد جمعیت در برخی از کشورها مانند آلمان غربی، مجارستان، بلغارستان، اتریش و دانمارک صفر درصد و یا حتی منفی بوده است.

۳. بالاترین مرگ و میر نوزدان (یعنی ۱۶۸ در هر ۱۰۰۰ تولد زنده، در سال ۱۹۸۸) متعلق به کشور مالی و پایین‌ترین نرخ یعنی ۵ در ۱۰۰۰ مربوط به کشور ژاپن بوده است. نکته قابل توجه این است که در میان کشورهای در حال توسعه، هنگ‌کنگ و سنگاپور (با نرخ ۷)، جامائیکا (با نرخ ۱۱)، کویت (با نرخ ۱۵) از وضعیت بسیار خوبی برخوردار می‌باشند. نابرابری نسبتاً زیادی نیز، در این زمینه، بین کشورها وجود دارد.

۴. اختلاف بالاترین و پایین‌ترین رقم مربوط به امید زندگی، در بدو تولد، در کشورهای مختلف ۳۵ سال می‌باشد، بالاترین رقم یعنی، ۷۸ سال مربوط به ژاپن و پایین‌ترین رقم یعنی، ۴۳ سال متعلق به گینه است. در مورد این ارقام نیز، باید گفت پایین‌ترین ارقام به کشورهای آفریقایی و بالاترین ارقام به کشورهای پیشرفته اختصاص دارد. در این میان، کشورهای از قبیل یونان (۷۷ سال)، چین (۷۰ سال)، سریلانکا (۷۱ سال)، جامائیکا (۷۳ سال)، کاستاریکا (۷۵ سال)، مالزی (۷۰ سال)،

پاناما (۷۲ سال). شیلی (۷۲ سال) نیز از وضعیت بسیار خوبی برخوردار می‌باشند. اطلاعات موجود در جدول (۱) نشان می‌دهد که کمترین نابرابری بین کشورها، در بین شاخصهای ۱۴ گانه، مربوط به این شاخص می‌باشد.

۵. یکی از نکات جالب که با توجه به ارقام موجود مشاهده می‌شود این است که بالاترین رقم مربوط به عرضه سرانه کالری در میان کشورها با ۳۷۳۳ کالری، متعلق به کشور امارات متحده عربی است. یونان با ۳۶۸۸ کالری، و آمریکا با ۳۶۴۵ کالری در رده‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در این زمینه تعدادی از کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند، حتی، از کشورهای پیشرفته در وضعیت بهتری قرار گیرند. اطلاعات موجود در جدول (۱) نیز نشان می‌دهد که نابرابری بسیار کمی در مورد این شاخص بین کشورها مشاهده می‌شود. همچنین، یکی دیگر از نکات قابل توجه مربوط به عرضه سرانه کالری این است که در میان کشورهای پیشرفته، عرضه سرانه کالری در ژاپن با ۲۸۶۴ کالری در پایین‌ترین مرحله قرار دارد.

۶. نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی نیز، از نوسان نسبتاً زیادی بین کشورها برخوردار است. چنانچه پس‌انداز داخلی را از طریق تولید ناخالص داخلی، پس از کسر مخارج مربوط به مصارف نهایی (بخش خصوصی و دولتی) تعریف نماییم، رقم منفی نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی بیانگر آن است که مصارف نهایی حتی، از تولید ناخالص داخلی بیشتر بوده است. همان‌طوری که از اطلاعات موجود در جدول پیوست مشاهده می‌شود، این وضعیت در مورد کشورهایمانند موزامبیک (۱۵- درصد)، چاد (۱۲- درصد)، تانزانیا (۵- درصد)، بورکینافاسو (۴- درصد)، مالی (۴- درصد)، جمهوری آفریقای مرکزی (۱- درصد)، لسوتو (۷۳- درصد) که پایین‌ترین رقم می‌باشد). اردن (۳- درصد)، صادق است. این امر حایز اهمیت بسیاری است زیرا، برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی نیاز مبرمی به پس‌انداز می‌باشد. در مقابل وضعیت‌هایمانند چین (۳۷- درصد)، گابن (۳۳- درصد)، لهستان (۳۵- درصد)، مالزی (۳۶- درصد)، یوگسلاوی (۴۰- درصد)، جمهوری کره (۳۸- درصد)، امارات متحده عربی (۳۶- درصد) سنگاپور (۴۱- درصد بالاترین رقم)، ژاپن (۳۳- درصد) از این نظر کاملاً مناسب می‌باشد. علاوه بر این، باید افزود که در بین کشورهای پیشرفته، پایین‌ترین رقم یعنی، ۱۳ درصد مربوط به ایالت متحده آمریکا می‌باشد.

۷. نرخ رشد تولید ناخالص ملی واقعی در حقیقت، یکی از متغیرهای بسیار مهمی می‌باشد که می‌تواند روند واقعی عملکرد اقتصاد کلان کشورها را اندازه‌گیری کند^۱. در کشورهایی که نرخ تورم بیش از نرخ رشد تولید ناخالص، به قیمت جاری باشد، نرخ رشد تولید ناخالص واقعی منفی می‌شود. این وضعیت در مورد کشورهایی مانند موزامبیک (۲/۸- درصد) نیجریه (۱/۱- درصد) هائیتی (۰/۲- درصد) لیبیا (۱/۳- درصد) بولیوی (۱/۶- درصد) گواتمالا (۰/۲- درصد) نیکاراگوئه (۰/۳- درصد) اورگوئه (۰/۴- درصد) آرژانتین (۰/۲- درصد) گابن (۰/۲- درصد) ترینیداد و توباگو (۶/۱- درصد) جمهوری اسلامی ایران (۲/۷- درصد) عربستان (۳/۳- درصد) کویت (۱/۱- درصد) امارت متحده عربی (۴/۵- درصد) صادق است. همچنین، آمار نشان می‌دهد که معمولاً همبستگی منفی نسبتاً شدیدی بین نرخ تورم و نرخ رشد تولید ناخالص واقعی وجود دارد. برای مثال، نرخ متوسط تورم سالانه بالا در دهه ۱۹۸۰ مربوط به کشورهایی مانند موزامبیک (۳۳/۶ درصد) بولیوی (۴۸۲/۸ درصد، بالاترین نرخ تورم در دهه ۱۹۸۰)، آرژانتین (۲۹۰/۵ درصد)، نیکاراگوئه (۸۶/۶ درصد) می‌باشد که این کشورها همگی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی منفی مواجه بوده‌اند؛ در عوض نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در کشورهای مانند چین (۱۰/۳ درصد) هنگ کنگ (۷/۳ درصد) عمان (۱۲/۷ درصد، بالاترین رقم در بین کشورهای جهان) جمهوری کره (۹/۹ درصد) بوتسوانا (۱۱/۴ درصد) بیانگر عملکرد خوب اقتصاد کلان این کشورها در دهه ۱۹۸۰ می‌باشد. اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد که نابرابری بسیار شدیدی در این زمینه بین کشورهای مختلف جهان وجود دارد.

۸. نکته قابل توجه در مورد روند تورم در دهه ۱۹۸۰ در کشورهای مختلف این است که در برخی از این کشورها سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یافته و نرخ تورم منفی بوده است. برای مثال، کشورهایی مانند عمان (۶/۵- درصد) عربستان (۴/۲- درصد) کویت (۳/۹ درصد) در این گروه قرار می‌گیرند. همچنین، در میان کشورهای پیشرفته، ژاپن با کمترین نرخ متوسط تورم سالانه (۱/۳ درصد) مواجه بوده است. در این زمینه اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که نابرابری و نوسان بسیار شدیدی بین کشورهای جهان وجود دارد.

۱. تولید ناخالص داخلی واقعی (به قیمت ثابت) از تقسیم تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری بر شاخص قیمت به دست می‌آید.

۹. بررسی ارقام مربوط به نرخ بیسوادی بزرگسالان زن و مرد معرف این واقعیت است که در تمامی کشورها به استثنای اورگوئه، دومینیک، پاناما و آرژانتین، نرخ بیسوادی بزرگسالان زن از مرد بیشتر است. بالاترین رقم مربوط به بیسوادی بزرگسالان به کشورهای آفریقایی اختصاص دارد. در مقابل؛ کشورهایی از قبیل سریلانکا، فیلیپین، تایلند، اکوادور، کلمبیا، کاستاریکا، شیلی، مکزیک، پاناما، اورگوئه، آرژانتین، یوگسلاوی، ترینیداد و توباگو، یونان، اسپانیا و اسرائیل از وضعیت خوبی برخوردار بوده‌اند. همچنین، همان طوری که از اطلاعات موجود در جدول (۱) مشاهده می‌شود ضریب تغییرات نرخ بیسوادی مردان و زنان با یکدیگر برابر بوده و نشان می‌دهد که از این لحاظ نابرابری یکسانی وجود دارد.

۱۰. در اغلب کشورهای در حال توسعه نرخ رشد سرمایه گذاری داخلی در دهه ۱۹۸۰ منفی بوده است. برای مثال، این نرخ برای نیجریه ۱۴/۵- درصد، نیجر ۱۰/۲- درصد، بنین ۱۱/۵- درصد، لیبیا ۱۶/۷- درصد، بولیوی ۱۹/۵- درصد (بدترین وضعیت)^۱. فیلیپین ۱۰/۹ درصد، جمهوری عربی یمن ۹/۱- درصد، ساحل عاج ۱۱/۴- درصد، اورگوئه ۹/۲- درصد، ترینیداد و توباگو ۹/۱- درصد بوده است. اهمیت این موضوع، با توجه به اینکه سرمایه گذاری در حقیقت موتور رشد واقعی اقتصادی تلقی می‌شود، بیشتر مشخص خواهد شد. در عوض، کشورهایی از قبیل چین، جمهوری کره، عمان از وضعیت خوبی برخوردار بوده‌اند، علاوه بر این، بیشترین نابرابری در میان شاخصهای ۱۴ گانه مربوط به این متغیر می‌باشد. این موضوع حاکی از نوسان شدید این متغیر بین کشورها می‌باشد.

۱۱. نسبت درآمد غیرمالیاتی به درآمد جاری دولت در حقیقت، یکی از متغیرهای مهم اقتصاد بخش عمومی کشورها تلقی می‌شود، و این نسبت می‌تواند میزان وابستگی به درآمدهای غیرمالیاتی در کشورهای مختلف را مشخص کند. بالاترین نسبت متعلق به کشورهای با اقتصاد تک محصولی مانند کشورهای اوپک می‌باشد. برای مثال، رقم مربوط به این نسبت در نیجریه ۶۲/۹ درصد، جمهوری عربی یمن ۴۰ درصد، بوتسوانا ۴۱/۵ درصد، برزیل ۵۳/۸ درصد، عمان ۷۶/۴ درصد، جمهوری اسلامی ایران ۵۴/۴ درصد، رومانی ۷۱/۲ درصد، کویت ۹۶/۷ درصد می‌باشد.

۱. جالب توجه است که این کشورها از نظر نرخ تورم و نرخ رشد سرمایه گذاری بدترین وضعیت را در مقایسه با سایر کشورهای جهان تجربه کرده است.

در مقابل، در کشورهای در حال توسعه، از قبیل تانزانیا، اوگاندا، زامبیا، غنا، جمهوری آفریقای مرکزی، سیرالئون، بولیوی، تایلند، پرو، اکوادور، مکزیک، لهستان، نیکاراگوئه، آفریقای جنوبی، اورگوئه، یوگسلاوی، آرژانتین، بلغارستان، اهمیت درآمدهای مالیاتی در تأمین مالی مخارج دولت بسیار زیاد می‌باشد. همچنین، در میان کشورهای پیشرفته در دهه ۱۹۸۰، کمترین وابستگی به درآمدهای غیرمالیاتی مربوط به ایتالیا (۲/۳ درصد) می‌شود. اطلاعات موجود در جدول (۱) نشان می‌دهد که نوسان و نابرابری نسبتاً شدیدی در این زمینه بین کشورها وجود دارد.

۱۲. نرخ رشد صادرات در میان کشورها با نوسان شدیدی همراه بوده است. در این رابطه، کشورهای در حال توسعه‌ای مانند جمهوری غربی یمن (۳۵/۶ درصد که بالاترین رقم است) جمهوری کره (۱۴/۷ درصد) ترکیه (۱۵/۳ درصد) پاراگوئه (۱۵/۷ درصد) از وضعیت خوبی برخوردار می‌باشند.

۱۳. البته، باید توجه نمود که بالاترین نرخ رشد صادرات هنگامی عامل مساعد در رشد و توسعه اقتصادی کشورها تلقی می‌شود که این موجب کاهش مصرف داخلی، و در نتیجه پایین آمدن سطح رفاه اقتصادی افراد کشور نشود، برای مثال، در دهه ۱۹۸۰ تعداد زیادی از کشورهایی که از فشار ناشی از استقراض خارجی رنج می‌بردند کوشیدند تا با افزایش اجباری درآمدهای صادراتی خود از طریق کاهش مصرف و در نتیجه، پایین آوردن سطح زندگی و رفاه اقتصادی در کشور خود تا اندازه‌ای بار ناشی از استقراض خارجی را تخفیف دهند^۱. در عوض، نرخ رشد صادرات در دهه ۱۹۸۰ در کشورهایی مانند تانزانیا، سومالی، نیجر، نیکاراگوئه، لیبی، و عربستان منفی بوده است.

۱۴. جمعیت معادل هر پزشک در حقیقت، یکی از شاخصهایی است که میزان امکانات درمانی و پزشکی در کشورهای مختلف جهان را نشان می‌دهد. در حالی که در کشورهای مانند ایتالیایی به ازای هر ۷۸۹۷۰ نفر یک پزشک وجود دارد (بدترین وضعیت)، در ایتالیا جمعیت معادل هر پزشک ۲۳۰ نفر می‌باشد (بهترین وضعیت). بنابراین همان‌طوری که از اطلاعات موجود در جدول (۱) مشاهده می‌شود نابرابری و نوسان شدیدی در مورد این شاخص، در میان کشورهای

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. : بررسی اهمیت و اثرات اقتصادی استقراض ملی در کشورهای مختلف، احمد جعفری صمیمی، اقتصاد و مدیریت، شماره (۶) پاییز ۱۳۶۹. صفحات ۱۰۳، ۱۲۳.

جهان وجود دارد. در این ارتباط، کلیه کشورهای پیشرفته و در میان کشورهای در حال توسعه کشورهایی مانند مصر (۷۷۰ نفر) اکوادور (۸۲۰ نفر) کاستاریکا (۹۶۰ نفر) لهستان (۴۹۰ نفر) اورگوئه (۵۲۰ نفر) آرژانتین (۳۷۰ نفر) یوگسلاوی (۵۵۰ نفر) ونزوئلا (۷۰۰ نفر)، پرتغال (۴۱۰ نفر) یونان (۳۵۰ نفر) لیبی (۶۹۰ نفر) مجارستان (۳۱۰ نفر) رومانی (۵۷۰ نفر) اسرائیل (۳۵۰ نفر) عربستان (۶۹۰ نفر) کویت (۶۴۰ نفر) و بلغارستان (۳۳۰ نفر) از وضعیت خوبی برخوردار می‌باشند.

نتایج آماری

در این مقاله به کشورهای مختلف جهان برای هر یک از شاخصهای چهارده گانه موجود در جدول پیوست رتبه داده شده است. نحوه اعطای رتبه به هر کشور، در هر شاخص، براساس تعداد کشورهایی که اطلاعات مربوط به آن شاخص برای آنها موجود بوده، تعیین شده است. علاوه بر این، به کشوری که از نظر شاخص مورد نظر بهترین عملکرد را داشته باشد. بالاترین رتبه^۱ با امتیاز که در حقیقت معادل تعداد کشورها بوده است و به همین ترتیب، به کشورهای دیگر نیز با یک امتیاز کمتر رتبه داده شده است. برای کشورهایی که از نظر عملکرد یک شاخص معین با وضعیت دقیقاً یکسانی مواجه بوده‌اند میانگین رتبه‌های مربوط به این شاخص به عنوان امتیاز هر یک از این کشورها منظور شده است. همان طوری که قبلاً نیز اشاره شد، براساس عملکرد شاخصهای عمده اقتصادی کشورهای مختلف جهان، در دهه ۱۹۸۰، برای این کشورها با توجه به اطلاعات موجود امتیاز منظور شده است. برای درجه‌بندی کشورها با توجه به عملکرد شاخصهای چهارده گانه اقتصادی آنها، میانگین امتیازها برای هر کشور با توجه به تعداد شاخصهایی که اطلاعات آماری در مورد آنها وجود داشته محاسبه شده است^۲. درجه‌بندی کشورها براساس میانگین امتیازات

۱. برای شاخصهای موجود در ستونهای (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) و (۱۱) و (۱۳) رتبه‌های بالاتر به کشورهایی که در مورد آنها ارقام این ستونها بیشترین بوده داده شده است و برعکس، برای شاخصهای موجود در ستونهای (۲) (۳) (۸) (۹) (۱۰) (۱۲) (۱۴) رتبه‌های بالاتر برای کشورهایی که در مورد آنها ارقام موجود در این ستونها کمترین بوده منظور شده است.

۲. البته، باید توجه داشت که این میانگین‌ها نیز به صورت تقریبی و متوسط می‌تواند عملکرد اقتصادی کشورها را بیان نماید. به عبارت دیگر، در اینجا فرض شده است برای کشورهایی که اطلاعات مربوط به برخی از شاخصها موجود نیست، رتبه مربوط به این شاخص برابر میانگین رتبه‌های شاخصهای قابل محاسبه

شاخصهای ۱۴ گانه به ترتیب، در جدول (۲) نشان داده شده است.^۱

برای این کشور باشد. همچنین، برای درجه‌بندی کشورها در مورد هر شاخص بین هر دو کشوری که از نظر این شاخص با یکدیگر متفاوت شده حداقل، یک امتیاز (یک رتبه) بدون در نظر گرفتن شدت و ضعف تفاوت شاخص در دو کشور، منظور شده است. علاوه بر این، فرض شده است که هر یک از این شاخصهای چهارده گانه ارزش یکسانی داشته باشند.

۱. برای توضیح بیشتر در زمینه نحوه اعطای امتیاز به هر کشور باید اضافه نمود که برای هر شاخص ابتدا تعداد کل کشورهایی که اطلاعات مربوط به این شاخص در دست بوده است شمارش شده است. در مورد شاخصهایی که بالا بودن آنها عامل مساعد تلقی می‌شود (مانند تولید ناخالص ملی سرانه، امید به زندگی در بدو تولد و...) بیشترین امتیاز که در حقیقت برابر با تعداد کشورها می‌باشد به کشوری که از لحاظ این شاخص بالاترین مقدار را دارا می‌باشد داده شده است. در مقابل پایین‌ترین امتیاز (عدد ۱) به کشوری که از لحاظ این معیار کمترین را دارا بوده است داده شده است. در مقابل، در مورد شاخصهایی که پایین بودن آنها عامل مساعد تلقی می‌شود (مانند نرخ رشد جمعیت، نرخ مرگ و میر نوزادان و...) بیشترین امتیاز که در حقیقت برابر با تعداد کشورها می‌باشد به کشوری که از لحاظ این معیار کمترین مقدار را دارا بوده است داده شده است. در مقابل، بالاترین امتیاز (عدد ۱) به کشوری که از لحاظ این معیار بیشترین مقدار را دارا بوده است داده شده است. به همین ترتیب، به سایر کشورها نیز امتیازی بین دو عدد فوق داده شده است. بنابراین، برای هر کشور در مورد هر شاخص یک عدد (امتیاز) به دست می‌آید. این شیوه برای کلیه شاخصهای چهارده گانه انجام شده است و سپس، برای هر کشور میانگین ساده امتیاز این شاخصها محاسبه شده و در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. درجه بندی کشورها، براساس عملکرد مجموعه از شاخصهای اقتصاد کلان

امتیاز	کشور	امتیاز	کشور
۷۴/۶	۲۴. چین	۹۳/۲	۱. ژاپن
۷۳/۶	۲۵. تایلند	۸۹/۷	۲. سوئین
۷۳/۴	۲۶. یوگسلاوی	۸۷/۱۷	۳. آلمان غربی
۷۳/۳	۲۷. بلغارستان	۸۷/۱۳	۴. کانادا
۷۱/۸	۲۸. اسرائیل	۸۶/۴۶	۵. نروژ
۷۱/۴	۲۹. زلاندنو	۸۵/۳۲	۶. هنگ کنگ
۷۰/۱	۳۰. یونان	۸۴/۲۵	۷. اتریش
۶۹/۶	۳۱. پرتغال	۸۴/۱	۸. کره جنوبی
۶۹/۲	۳۲. کاستاریکا	۸۳/۶۷	۹. دانمارک
۶۸/۱	۳۳. امارات متحده عربی	۸۳/۵۸	۱۰. هلند
۶۶/۷	۳۴. مالزی	۸۳	۱۱. اسپانیا
۶۳/۸	۳۵. کلمبیا	۸۲/۷۳	۱۲. ایتالیا
۶۲/۹	۳۶. ترکیه	۸۲/۴۲	۱۳. امریکا
۶۲/۶	۳۷. پاناما	۸۲/۳۳	۱۴. فنلاند
۶۱/۶	۳۸. ترینیداد و توباگو	۸۰/۳۸	۱۵. استرالیا
۶۱/۲	۳۹. ویتنام	۸۰/۲۱	۱۶. فرانسه
۶۰/۳	۴۰. اروگوئه	۷۹/۵۸	۱۷. سوئد
۶۰	۴۱. شیلی	۷۸/۹۶	۱۸. سنگاپور
۵۹/۹	۴۲. آرژانتین	۷۸/۷	۱۹. انگلستان
۵۹/۴	۴۳. عمان	۷۷/۵	۲۰. ایرلند
۵۹/۲	۴۴. مکزیک	۷۶/۹	۲۱. مجارستان
۵۸/۸	۴۵. سریلانکا	۷۶/۸	۲۲. رومانی
۵۷/۷	۴۶. برزیل	۷۶/۴	۲۳. لهستان

ادامه جدول ۲

امتیاز	کشور	امتیاز	کشور
۴۵/۴۲	۷۱. برون‌دی	۵۷/۲	۴۷. پاراگوئه
۴۵/۳	۷۲. پاکستان	۵۶/۹	۴۸. عراق
۴۴/۵	۷۳. السالوادر	۵۶/۶	۴۹. لیبی
۴۳/۹	۷۴. هندوراس	۵۶/۴	۵۰. الجزایر
۴۳/۹	۷۵. زیمباوه	۵۵/۵	۵۱. اندونزی
۴۳/۲	۷۶. لائوس	۵۴/۹	۵۲. ونزوئلا
۴۲/۹	۷۷. فیلیپین	۵۴/۵	۵۳. اردن
۴۲/۷	۷۸. سوریه	۵۳/۶	۵۴. اکوادور
۴۲/۶	۷۹. گابن	۵۳/۱	۵۵. کویت
۴۲/۴	۸۰. نیکاراگوئه	۵۲/۸	۵۶. عربستان سعودی
۴۱/۷	۸۱. میان‌مار	۵۲/۷	۵۷. مصر
۴۰/۵	۸۲. سنگال	۵۲/۶	۵۸. جامائیکا
۴۰/۲	۸۳. کنیا	۵۲/۳	۵۹. دومینیکن
۳۹/۷۵	۸۴. ساحل عاج	۵۱/۶	۶۰. جمهوری اسلامی ایران
۳۹/۵	۸۵. لسوتو	۵۱/۴	۶۱. مراکش
۳۸/۷	۸۶. گواتمالا	۵۰/۷	۶۲. آفریقای جنوبی
۳۶/۵	۸۷. آفریقای جنوبی	۵۰/۵	۶۳. تونس
۳۶/۴	۸۸. موریتانی	۵۰	۶۴. جمهوری خلق کنگو
۳۶/۲	۸۹. مالی	۴۸/۴	۶۵. گینه نو
۳۵/۱	۹۰. جمهوری یمن	۴۸/۲	۶۶. هندوستان
۳۴/۹	۹۱. غنا	۴۸/۰۵۲	۶۷. بوتسوانا
۳۴/۸	۹۲. بورکینافاسو	۴۸/۰۳۶	۶۸. پرو
۳۴/۲	۹۳. بنگلادش	۴۷/۲	۶۹. مارتوس
۳۴/۰۴	۹۴. زامبیا	۴۵/۹	۷۰. کامرون

ادامه جدول ۲

امتیاز	کشور	امتیاز	کشور
۲۷	۱۰۷. تانزانیا	۳۳/۵	۹۵. رواندا
۲۵/۷	۱۰۸. مالاوی	۳۲/۱	۹۶. توگو
۲۵/۶	۱۰۹. بنین	۳۱/۸	۹۷. بولیوی
۲۴/۸	۱۱۰. چاد	۳۱/۶	۹۸. جمهوری عربی یمن
۲۴/۶۷	۱۱۱. لیبریا	۳۱/۰۲	۹۹. نپال
۲۴/۶۷	۱۱۲. سیرالئون	۳۰/۸۵	۱۰۰. اوگاندا
۲۲/۳	۱۱۳. نیجریه	۳۰/۳	۱۰۱. سودان
۲۱/۱	۱۱۴. آنگولا	۳۰/۲	۱۰۲. ماداگاسکار
۱۹/۶	۱۱۵. سومالی	۲۹/۵	۱۰۳. بوتان
۱۹/۴	۱۱۶. گینه	۲۹/۱	۱۰۴. هائیتی
۱۸/۲	۱۱۷. نیجر	۲۷/۵	۱۰۵. زئیر
۱۱/۷	۱۱۸. موزامبیک	۲۷/۱	۱۰۶. اتیوپی

خلاصه و نتیجه گیری

از ارقام موجود در جدول (۲) مشاهده می‌شود که درجه‌بندی کشورها براساس روش ارائه شده در این مقاله با روش درجه‌بندی کشورها براساس تولید ناخالص ملی سرانه متفاوت می‌باشد. برای مقایسه دو روش می‌توان ۲۵ کشور پایین و ۲۵ کشور بالا را براساس دو روش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

براساس تولید ناخالص ملی سرانه کشورهای موزامبیک، اتیوپی، چاد، تانزانیا، بنگلادش، مالاوی، سومالی، زئیر، بوتان، لائوس، نپال، ماداگاسکار، بورکینافاسو، مالی، بروندي، اوگاندا، نیجریه، زامبیا، نیجر، روندا، چین، هندوستان، پاکستان، کنیا و توگو در ردیف ۲۵ کشور پایین قرار دارند. از طرف دیگر براساس روش ارائه شده در این مقاله (میانگین رتبه‌بندی شاخصهای چهارده گانه) کشورهای زیر در ردیف ۲۵ کشور پایین قرار می‌گیرند:

موزامبیک، نیجر، گینه، سومالی و آنگولا، نیجریه، سیرالئون، لیبیا، چاد، بنین، مالاوی، تانزانیا، اتیوپی، زئیر، هائیتی، بوتان، ماداگاسکار، سودان، اوگاندا، نپال، جمهوری عربی یمن، بولیوی، توگو، روندا و زامبیا. با مقایسه ۲۵ کشور پایین بر مبنای دو روش، مشاهده می‌شود که در مورد برخی از کشورها مانند موزامبیک، نیجر، سومالی، زئیر، نیجریه، چاد، مالاوی، تانزانیا، اتیوپی، بوتان، ماداگاسکار، اوگاندا، نپال، توگو، روندا، و زامبیا که در واقع، کشورهای کاملاً توسعه نیافته و عقب مانده می‌باشند، هر دو روش نتیجه یکسانی ارائه می‌دهد. ولی، در مورد سایر کشورها این دو روش با یکدیگر متفاوت می‌باشند. برای مثال، براساس روش ارائه شده در این مقاله، کشورهایمانند، چین و هندوستان که به خاطر دارا بودن جمعیت زیاد از نظر تولید ناخالص ملی سرانه در ردیف پایین‌ترین ۲۵ کشور جهان قرار می‌گیرند، به خاطر وضعیت نسبی بهتر در ارتباط با سایر شاخصهای دیگر اقتصاد کلان به هیچ وجه در ردیف ۲۵ کشور پایین قرار نمی‌گیرند و این امر نیز کاملاً منطقی می‌باشد؛ در مقابل کشورهایمانند آنگولا و بولیوی براساس معیار ارائه شده در این مقاله در ردیف پایین‌ترین ۲۵ کشورها قرار می‌گیرند. علت این امر آن است که کشور آنگولا از نظر شاخصهایی از قبیل امید به زندگی در بدو تولد، نرخ مرگ و میر نوزادان و یا جمعیت معادل هر پزشک در وضعیت بسیار نامساعدی در مقایسه با سایر کشورهای دیگر به سر می‌برد. همچنین، کشور بولیوی نیز از نظر نرخ متوسط تورم سالانه و نرخ رشد سرمایه گذاری دارای بدترین وضعیت

می‌باشد و از لحاظ شاخصهای دیگر نیز، موقعیت چندان مناسبی ندارد. لذا، قرار گرفتن این کشور در ردیف پایین‌ترین ۲۵ کشور جهان بر مبنای روش ارائه شده در این مقاله نیز منطقی به نظر می‌رسد.

همچنین، بر مبنای معیار تولید ناخالص ملی سرانه، بالاترین ۲۵ کشور جهان عبارتند از: سوئیس، ژاپن، نروژ، ایالات متحده آمریکا، سوئد، فنلاند، آلمان غربی، دانمارک، کانادا، فرانسه، امارات متحده عربی، اتریش، هلند، بلغارستان، کویت، ایتالیا، انگلستان، استرالیا، زلاندنو، هنگ‌کنگ، سنگاپور، اسرائیل، ایرلند، اسپانیا و عربستان. در مقابل، بر اساس روش ارائه شده در این مقاله کشورهای زیر در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار می‌گیرند:

ژاپن، سوئیس، آلمان غربی، کانادا، نروژ، هنگ‌کنگ، اتریش، جمهوری کره، دانمارک، هلند، اسپانیا، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، فنلاند، استرالیا، فرانسه، سوئد، سنگاپور، انگلستان، ایرلند، مجارستان، رومانی، لهستان، چین و تایلند.

باید اضافه نمود که با وجود آنکه ۱۹ کشور، بر اساس هر دو روش، در ردیف بالاترین ۲۵ کشور قرار می‌گیرند. ولی، بر اساس معیار ارائه شده در این مقاله شش کشور امارات متحده عربی، عربستان، کویت، اسرائیل، زلاندنو و بلغارستان در ردیف بالاترین ۲۵ کشور دنیا قرار نمی‌گیرند. در این رابطه می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

۱. کشورهایمانند امارات متحده عربی، عربستان و کویت با وجود آنکه از لحاظ تولید ناخالص ملی سرانه در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرند ولی، به علت وضعیت نامناسب عملکرد آنها در زمینه شاخصهایی از قبیل نرخ رشد جمعیت، اهمیت درآمدهای مالیاتی در درآمدهای جاری دولت، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، این کشورها نمی‌توانند در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرند.

۲. در مورد اسرائیل، به خاطر نرخ تورم بسیار بالا و همچنین، وضعیت نامساعد این کشور در رابطه با سهم پس‌انداز در تولید ناخالص داخلی و پایین بودن سهم درآمد مالیاتی در درآمدهای جاری دولت، اسرائیل نیز نمی‌تواند بر اساس روش ارائه شده در این مقاله در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد.

۳. زلاندنو نیز، با آن که از نظر شاخصهایی مانند نرخ رشد جمعیت، نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی در بدو تولد و جمعیت معادل هر پزشک در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد. ولی به خاطر مشکلاتی از قبیل پایین بودن درآمد مالیاتی نتوانسته است در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد.^۱

۴. بلغارستان از نظر جمعیت معادل هر پزشک در ردیف ۱۰ کشور بالا قرار دارد. و از نظر نرخ مرگ و میر نوزادان و نرخ رشد جمعیت نیز در وضعیت مناسبی قرار دارد ولی به خاطر شرایط نامساعد این کشور در زمینه نرخ رشد سرمایه‌گذاری و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نتوانسته است براساس روش ارائه شده در این مقاله در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد.^۲ در مقابل، برای ورود کشورهای جمهوری کره، مجارستان، رومانی، لهستان، چین و تایلند به گروه بالاترین ۲۵ کشور جهان بر مبنای روش ارائه شده در این مقاله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. جمهوری کره، اگرچه نتوانسته است بر مبنای تولید ناخالص ملی سرانه در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد ولی، به خاطر عملکرد عالی این کشور در زمینه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد صادرات، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی نتوانسته است، براساس روش منطقی ارائه شده در این مقاله، به مقام مناسب و قابل توجه هشتم در میان کشورهای جهان ارتقاء یابد.

۲. چین به خاطر بالا بودن میزان جمعیت خود براساس معیار تولید ناخالص ملی سرانه در ردیف پایین‌ترین کشور جهان قرار می‌گیرد که این موقعیت برای این کشور بار دیگر دلیلی برای نادرست بودن این معیار تلقی می‌شود. در عوض، براساس روش ارائه شده در این مقاله، این کشور به دلیل عملکرد بسیار عالی خود در زمینه نرخ رشد صادرات، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی نتوانسته است در جایگاه واقعی خود یعنی در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد.

۳. کشورهای مجارستان، رومانی و لهستان نیز، به خاطر عملکرد خوب آنها در زمینه جمعیت

۱. البته باید اضافه نمود که بر مبنای روش ارائه شده در این مقاله، این کشور در ردیف ۲۷ قرار می‌گیرد که این امر بیانگر عملکرد اقتصادی نسبتاً خوب این کشور در دهه ۱۹۸۰ می‌باشد.

۲. این کشور براساس روش ارائه شده در این مقاله در ردیف ۲۹ قرار می‌گیرد.

معادل هر پزشک، اهمیت درآمد مالیاتی در درآمدهای جاری دولت، نرخ رشد جمعیت و عرضه سرانه کالری توانسته آند براساس روش ارائه شده در این مقاله در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرند.

۴. تایلد، یکی دیگر از کشورهای در حال توسعه است که به سرعت از نظر اقتصادی در حال پیشرفت می باشد. عملکرد عالی این در دهه ۱۹۸۰ در زمینه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ رشد سرمایه گذاری، نرخ رشد صادرات به حدی بوده است که این کشور، بر مبنای روش ارائه شده در این مقاله، توانسته است در ردیف بالاترین ۲۵ کشور جهان قرار گیرد.

در مجموع، با توجه به توضیحات فوق می توان گفت درجه بندی کشورهای مختلف جهان براساس روش ارائه شده در این مقاله به خاطر در نظر گرفتن عملکرد کلیه شاخصهای مهم اقتصاد کلان، به مراتب منطقی تر از روش درجه بندی کشورها بر مبنای معیار انفرادی تولید ناخالص ملی سرانه یا هر معیار انفرادی دیگر می باشد. لذا، با توجه به عملکرد اقتصاد کلان کشورهای مختلف جهان در دهه ۱۹۸۰ می توان بدون هیچ تردیدی درجه بندی ارائه شده در جدول (۲) این مقاله را یک درجه بندی حقیقی و منطقی تلقی نمود.

منابع

۱. احمد جعفری صمیمی. "بررسی اهمیت و اثرات اقتصادی استقرار ملی در کشورهای مختلف جهان". اقتصاد و مدیریت، پاییز ۱۳۶۹، شماره (۶). صص ۱۰۳-۱۲۳.
۲. "توسعه انسانی" شمال - جنوب انجمن بین المللی توسعه، ترجمه قدرت... معمارزاده، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، وزارت برنامه و بودجه، شماره ۸۹، خرداد ۱۳۶۸.
۳. سالنامه آماری سالهای ۶۷ و ۶۸، مرکز آمار ایران.

4. European Economic Review. Vol 35 no 2/3, April 1991.

5. World Development Report 1990. The World Bank. June 1990.